

وحشت سفید در ایالات متحده

نوشته ریچارد کایسر

پروفسور مطالعات امریکا و علوم سیاسی در چارلتون کالج Carleton College -Northfield, Minnesota

ترجمه شروین احمدی

پس از جنگ دوم جهانی، «مهاجرت بزرگ» امریکائی های افریقائی تبار ایالات جنوب به سوی شهرهای صنعتی شمال و شمال مرکزی باعث « فرار سفید پوستان» شد. آنها ترجیح دادند که خانه هایشان را از ترس محاصره شدن توسط همسایه هائی که قیمت مسکن، میزان امنیت و سطح مدارس را در محله پائین می آوردند، ترک کنند(۱). امروز یک « فرار سفید پوستان» در میان طبقات متوسط و بالا شکل گرفته که اینبار از وحشت حضور خانواده های آسیائی تبار در محله های اعیان نشین شان است. از نقطه نظر فقط مالی، ترک همسایه ای محبوب بدلیل نبود امنیت، اعتبار و یا مدارس سطح بالا بی معنی است. اما سفید پوستان امریکا می خواهند به هر قیمت جایگاه فرزندانشان را در قله شایسته سالاری حفظ کنند.

این پدیده اولین بار در سال ۲۰۰۵ در مقاله ای در وال استریت ژورنال شناسائی شد که به شهر کوپرتینو (Cupertino)، مقر دفتر مرکزی اپل و شرکت های بزرگ دیگر سیلیکون والی، اختصاص داشت(۲). پویائی مشابه در حومه های شهرهائی در کالیفرنیا، نیوجرسی، مری لند و نیویورک با سکونت تعداد زیادی از خانواده های آسیائی تبار مشاهده شد. نقطه مشترک همه این محلات، حضور خانواده هائی از طبقات متوسط و بالاتر و داشتن قیمت مسکن بالا و مدرسی با شهرت خوب بود. تعداد ساکنین آسیائی تبار نسل دوم (عمدتاً چینی و هندی) در طی ده سال دو برابر شد و از ۱۵ به ۴۰ درصد

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۰

جمعیت رسید. در سال ۱۹۸۴، تعداد دانش آموزان سفید پوست در Mission High School سلیکوم والی، که بهترین دبیرستان کالیفرنیا ارزیابی می شد، ۸۴ درصد بود. در سال ۲۰۱۰ تعداد آنها به ۱۰ درصد سقوط کرد در حالیکه تعداد امریکائی های آسیائی تبار به ۸۳ درصد رسید (۳). سفید پوستان با رفتن به محلات نزدیکی که در آنها دانش آموزان آسیائی تبار کمتری وجود داشتند، با آنها مرز کشیدند.

بسیاری از خانواده های سفید دارای احساس متناقضی در این مورد هستند: در حالیکه از آینده فرزندانشان ابراز نگرانی می کنند، از اینکه مدارس ابتدائی که آماده ساز و هدایت کننده شاگردان به دبیرستان های با اعتبار هستند، بیش از حد رقابتی شده اند و تحت تاثیر فرهنگ و سواس کارآئی آسیائی تبارها قرار گرفته اند، ناراحتند. آنها فرزندانشان را از بهترین دبیرستان های کالیفرنیا به این دلیل خارج می کنند که در آنجا به امتحانات و میزان پذیرش در دانشگاه های نخبگان اهمیت زیادی داده می شود، یعنی همان معیارهایی که براساس آنها فرزندان خانواده های هندی و چینی تبار می درخشند.

آنهائی که خود را نخبگان ملت فرض می کنند اکنون خود را قربانی تبعیض می انگارند چون در همان حالی که فرزندانشان فوتبال بازی و یا در ساحل تفریح می کنند دوستان آسیائی تبار آنها وقت آزادشان را صرف کلاس های تقویتی می کنند. در سال ۲۰۱۳، دو معلم دبستان های کالیفرنیا شمالی چنین نتیجه گیری می کردند: «"آسیائی بودن" عمیقاً با ارزش های در ارتباط با کارآئی، تلاش کاری و موفقیت در مدرسه و دانشگاه پیوند خورده است. در مقابل "سفید بودن" منعکس کننده مفاهیم بی دقتی، تنبلی و سطح آکادمیک متوسط است» (۴). گرایش روز افزون والدین سفید به فرستادن فرزندانشان به مدارس دولتی کمتر رقابتی نیز در همین راستاست.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۰

این جهت گیری جدید راهبردی طبقات متوسط و بالای سفیدپوست در واکنش به ترس از دست دادن امتیازهایی است که طی قرن ها از زمان تولد در ارتباط با رنگ پوست شان داشته اند. در High Mission School، بیشتر دانش آموزان کلاس های « درس های پیشرفته» (برای آماده سازی پذیرش دانشگاهی) از اقلیت آسیائی تبار و اکثریت کسانی که در آن شرکت نمی کنند سفید پوست هستند. این کلاس ها که فقط بهترین ها را می پذیرند، یک سکوی پرش برای تضمین قبول شدن در بهترین دانشگاه های کشور است.

جای شک نیست که هنوز سفید پوستان و بویژه مردان، همچنان در صدر سرمایه داری امریکا قرار دارند. در شرکت گوگل بعنوان مثال، آنها دو مقام از سه مقام مدیریتی را در اختیار دارند. با اینهمه در سال ۲۰۱۹، این غول تکنولوژیک بیشتر زنان آسیائی تبار استخدام کرد تا سفید پوست و امسال در مورد مردان چنین است (۵). جاده پیشرفت بدین ترتیب دیگر سفید رنگ نیست و ترکیب در سلسه مراتب دیپلم های دانشگاهی در حال تغییر است.

خانواده های سفید که جایگاه خود را از دست داده اند سعی می کنند که ضعف هایشان را یک نقطه قدرت معرفی کنند. تعریف آنها از تعالی محدود به نتیجه کار نمی شود و در برگیرنده ارزش هایی مانند چندگانگی علاقمندی ها، وسعت اندیشه و تلاش برای "عادی بودن" است که درمقابل افراط در جاه طلبی و موفقیت کاری قرار دارد.

از لحاظ تاریخی، سفید پوستی مردانه خود را بمتابه معیار اصلی تحمیل کرده است و هر بار که گروه های تحت سلطه، قدرتش را به چالش کشیده اند، موفق شده آنها را به آن سوی مرزهای غیرعادی بودن براند. وقتی زنها خواهان برابری حقوق شدند، آنها را بی منطق و احساساتی ارزیابی کردند. به همین ترتیب مبارزه برای برابری حقوق نژادی و یا مهاجرین همواره با گفتمان خوار شمارانه روشنفکرانه («آنها از هوش کمتری برخوردارند») و یا روان شناسانه («آنها آمادگی پذیرش دمکراسی را ندارند») مواجه بوده است.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۰

بدین ترتیب منطقی است که موفقیت استثنائی دانش آموزان آسیائی تبار، موفقیت «روپای آمریکائی» ارزیابی نشود و آنرا ثمره یک تربیت سخت بدانند که نمی گذارد قربانیانش از زندگی عادی با تفریح، ورزش و خوردن میلک شیک با دوستان لذت ببرند. والدین سفید پوست بجای پذیرش اینکه کنترل اوضاع از دستشان خارج شده، ترجیح می دهند آنها را مسخره کنند و به موسساتی پناه ببرند که در آن به همان اندازه نتایج درسی به شکوفائی فردی نیز اهمیت داده می شود.

چنین تحولی وقتی بیشتر متناقض بنظر می رسد که بیاد آوریم که در طی قرن بیستم امریکائی های آسیائی تبار را چون «اقلیتی سربزیر» تحسین می کردند و رفتار آنها می توانست نمونه ای برای سیاهان و امریکائی لاتینی ها باشند. زیر پوشش بزرگداشت از شایستگی یک اقلیت، دیگرانی را که فشارهای تبعیض را متحمل می شدند، سرزنش می کردند. مگر نه آنکه موفقیت همه جانبه آسیائی تبارها ثابت می کرد که سیاه پوستان، برعکس آنچه ادعا می کردند و علی رغم انگیزه اندک شان، از برابری کامل شانس برخوردار بودند؟ امریکای نژاد پرست می توانست بدین ترتیب خود را «سرزمین فرصت ها» جلوه دهد و انگ بی مایگی به سیاهان و امریکائی لاتینی های بزند که توانائی بالارفتن از نردبان ترقی اجتماعی را نداشتند. اما اکنون ویژگی ها که قبلا از آنها تعریف می شد - فرهنگ کار، داشتن انضباط، ارزش های خانوادگی - یک مرتبه شیطانی شمرده می شوند. دانش آموز برجسته دیروزی که همه از او تعریف می کردند تبدیل به عنصری نامطلوب شده که باید از آن دوری کرد.

این تاکتیک برای حفظ استیلای سفید پوستان در نظم اجتماعی و اقتصادی حاکم امری جدید نیست:

ژروم کارابل نشان داده که این امر در ادامه رفتاری است که (WASP White Anglo-Saxon Protestant)، سفید پوستان آنگلو ساکسون پروتستان، با نخبگان یهودی می کردند. تحقیقات او برپایه پرونده های پذیرش دانشگاه های هاروارد، یل و پرینستون نشان داده که یک طرح برای محدود کردن جدی ثبت نام دانشجویان یهودی به بهانه های عجیبی مانند «مردانگی»، «شخصیت» و یا «توان رهبری» دنبال می شده است. یکی از این اسناد از سیاستی پرده بر می دارد که به دنبال تلفیق شایستگی

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۰

آکادمیک با توانائی های اخلاقی بوده که براساس یک ملاقات حضوری بررسی می شده است و « توانسته بصورتی جدی از تعداد یهودیانی که دارای شخصیت و رفتاری ویژه بوده اند، بکاهد» (۶). بر اساس نظر کمیته پذیرش دانشگاه هاروارد در سالهای ۱۹۵۰، در لیست نامقبولین افرادی « دارای نزدیکی جدی با گروه اجتماعی شان»، «بی ثبات ها»، «دارای گرایش های همجنس گرا و مشکلات روانی جدی» دیده می شده اند. در دوران مک کارتی، الزام به «وفاداری» میهن پرستانه اجازه می داد که افراد مشکوک به تمایل به حزب کمونیست (ممنوع شده) کنار گذاشته شوند. همانطور که کارابل یادآوری می کند: «تعریف شایستگی گنگ بود و اجازه می داد ارزش ها و منافع قدرتمندان و نگرش های فرهنگی ویژه آنها در آن انعکاس یابد». « فرار سفید پوستان» کنونی از مدارسی که آسیائی تبارها در آن حضور دارند در چارچوب همان باز تعریف شایستگی برای حفظ قدرت آنهاست که آنرا در اختیار دارند.

-۱

Lire Serge Halimi, « [L'université de Chicago, un petit coin de paradis bien protégé](#) », et Douglas Massey, « [Regards sur l'apartheid américain](#) », *Le Monde diplomatique*, respectivement avril 1994 et février 1995.

-۲

Suein Hwang, « [The New White Flight](#) », *The Wall Street Journal*, New York, 19 novembre 2005.

-۳

Willow S. Lung-Amam, *Trespassers ? Asian Americans and the Battle for Suburbia*, University of California Press, Berkeley, 2017.

-۴

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: سپتامبر ۲۰۲۰

Tomás R. Jiménez et Adam L. Horowitz, « [When white is just alright : how immigrants redefine achievement and reconfigure the ethnoracial hierarchy](#) », *American Sociological Review*, Washington, DC, 30 août 2013.

-۵

Cf. Allison Levitsky, « [For the first time, white men weren't the largest group of U.S. hires at Google this year](#) », *Silicon Valley Business Journal*, San Jose, 5 mai 2020.

-۶

Cette citation et les suivantes sont extraites de Jerome Karabel, *The Chosen : The Hidden History of Admission and Exclusion at Harvard, Yale, and Princeton*, Houghton Mifflin Harcourt, Boston, 2005.